



سوره مبارکه طارق

* معرفی سوره:

- «طارق» واژه‌ای زمینی است به معنی آدمی که آنقدر جاده را می‌رود که به وسیله ردپایش مسیر را تعیین می‌کند. در آسمان ستاره‌ها حکم طارق را دارند. خداوند در آغاز سوره می‌فرماید: «طارق همان نجم ثاقب است».

- سوره مبارکه طارق؛ وصف آسمانی است با ستاره‌هایی پر نور. نور این ستاره‌ها به همه می‌رسد و هرکسی در زمین است می‌تواند به وسیله آن آسمان و نور ستاره‌هایش، جهتش را پیدا کند.

- هر ستاره انسانی است در کنار تو. رونده‌ای که آنقدر در آسمان رفته تا به نور تبدیل شده است و از نور آن می‌توان راه را پیدا کرد و مسیر را پیمود.

- «طارق»؛ کسی است که به او وحی می‌شود و چون به او وحی می‌شود، از مقام ثابتی برخوردار است، یعنی نورش ثابت است ولی همین آدمی که به او وحی می‌شود روی زمین است. او در واقع آدم آسمانی است ولی در زمین کارش را انجام می‌دهد. از این جهت طارق شأن هدایتی پیدا می‌کند.

- به اعتبار زمینی بودن به او «طارق» گویند و به اعتبار گیرندگی وحی «نجم ثاقب» نامیده می‌شود. این دو مصداقاً یکی است ولی مفهومان دو تا است. مثلاً پیامبر از این جهت که درب خانه‌ها را می‌زند و «طیبُ الدَّوَارِ بالطَّيْبِ» است، از مردم دستگیری می‌کند و مسیرها را باز می‌کند به او طارق گویند و به این اعتبار که دارای مقام علمی رفیع است و قدرت دریافت وحی را داشته و از سطح مردم خیلی فاصله دارد به او «نجم ثاقب» گویند. پس نجم ثاقب باید هدایت‌گر باشد.

- سوره مبارکه طارق سوره امیرالمؤمنین است زیرا فرد باید اتصالی به وحی داشته باشد تا بتواند طارق باشد و کسی که اتصال به وحی ندارد، شأنیت هدایت و طارقیت ندارد.

- به کسانی که مسیری را فتح و علمی را باز می‌کنند «طارق» گویند. یعنی افرادی که بر اساس مدل عمل نمی‌کنند. افرادی که مسیر را تا انتها رفته و بلد راه هستند و حرفشان بر اساس آزمون و خطا نیست بلکه وصل به علمی غیبی می‌باشند. طارق کسی است که مجوز هدایت دارد و به این اعتبار که راه باز می‌کند و سبک زندگی ارائه می‌دهد به او طارق گویند و از آن جهت که نسخه‌ها مال خودش نیست به او «نجم ثاقب» گویند.

- نکته: خداوند طارق را با نجم ثاقب معرفی کرده است به این دلیل که افراد آنچه را کنار دستشان است باور ندارند و به آنچه از آن‌ها بسیار دور است بیشتر اعتماد می‌کنند. اگر به آن‌ها بگوییم به این آقا وحی می‌شود و او هیچ خطایی هم نمی‌کند، باورشان نمی‌شود. انسانی که طارق است، قانون و عصمت دارد و عصمتش مانند ستاره است. پذیرش این مطالب برای انسان‌ها سخت است.

- در آیات ۵ تا ۷ سوره مبارکه طارق به خلقت انسان اشاره شده و بیان می‌دارد:

- فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ (۵): خوب است که انسان ببیند که چگونه به دنیا آمده و از چه خلق شده است.

- خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ (۶) يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ (۷): اگر انسان خودش را بنگرد و دقت کند از همان ابتدا که می‌خواسته خلق شود، چه بوده و حال چه شده است، متوجه طارقیت وجود خود می‌شود و می‌تواند طارق را در نطفه خودش پیدا کند. یعنی یک سلول بر اساس یک قانونی انسان را تکوین می‌دهد و دست و چشم و ... درست می‌کند و این سلول دقیقاً طبق آن برنامه‌ای که به او داده‌اند عمل می‌کند. انگار این سلول تا ته قضیه را رفته است. انکار تک‌تک مسیرها را می‌خواند و شکل و دست و رنگ و ... درست می‌شود.

تا زمانی که انشاء الله انسان به نزد پروردگارش برگردد. إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ (۸)

- از آیه ۸ تا ۱۰ احوال قیامت را بیان کرده و می‌فرماید:

- **يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ (۹):** خصوصیت این دنیا این است که باطن وجود دارد ولی در آخرت ظاهر و باطن یکی می‌شود.

- **فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ (۱۰):** در آنجا اسباب دیگر کار نمی‌کند. نصرت و فتح مربوط به این دنیاست و به استعداد و رشد تدریجی انسان‌ها اختصاص دارد، اما آخرت هر کسی هر چیزی که می‌خواسته، شده است.

- در آیات پایانی سوره به قابلیت‌های آسمان و زمین تأکید شده و می‌فرماید: **وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ (۱۱):** آسمان شما ذات الرجوع است یعنی قابلیت رجوع دارد. منظور هم آسمان دنیا است و هم آسمان معنا. اگر این آسمان دنیا قابلیت رجوع نداشت، این گونه نبود که آب در آن جمع شود و باران ببارد.

- **وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ (۱۲):** زمین هم قابلیت شکفته شدن دارد. زمین هم اگر شکفته نمی‌شد، استعدادهای انسان و زمین شکوفا نمی‌شد.

- نکته آخر: سوره طارق سوره‌ای بسیار زیبا است. اگر بارها انسان آن را بخواند باز هم نکته دارد.

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد رب العالمين